

یادداشتی درحاشیه دادگاه حمید نوری استکھلم:

خوب است در برابر دشمن مشترک، بهم کمی مهربانتر و صادقتر باشیم!

امیرجوهری نگرودی

جمعه ۱۰ دی ۱۴۰۰ برابر با ۳۱ دسامبر ۲۰۲۱

amir_772@hotmail.com



چند پرسش ساده از آقای مهرداد نشاطی ملکیناس، یکی از شاهدان دادگاه نوری در استکھلم!

همه آنانی که مرا می شناسند و به یادداشت هایم در باب گزارش دهی از دادگاه حمیدعباسی (نوری) در دادگاه استکھلم دسترسی دارند، نیک دریافته اند؛ من به جنجال آفرینی در حاشیه دادگاه سخت بی باورم و دادخواهی بیشمار یاران دیروزی و فرزندان جامعه مان که زیر خروارها خاک آر می دهند را در جوهر و گوهر خویش در هیکل وجودی این و آن حزب، سازمان و گروه نمی بینم. دادخواهی را بر بنیاد حقیقت می بینم. آنچه در دادگاه استکھلم می گذرد را پژواک صدای دادخواهی همهی مردمان رنج کشیده و داغدار، به وسعت ایران می شناسم، که شاکیان و شاهدان دادگاه استکھلم، قطره ای از دریای آن یار اند، هر یک به کلامی و نشانی در خور!

سوژه اصلی این یادداشت، دفاع از حیثیت رفیقی ایست که سال هاست در میان ما نیست ولی نشان بود او بامن و ما است، سخت اذیت می کند که لب فرو بندم و ننویسم. از اینروسکوت در حق رفیق سالیانم جان شیفته علی اکبر شالگونی رابی هیچ ابهامی بر نمی تابم و خود را موظف به نوشتن این یادداشت در حاشیه دادگاه بر متن اظهارات یکی از شاهدان دادگاه دیدم.

باری پنجاه و پنجمین (۵۵) جلسه دادگاه حمیدعباسی (نوری)، روز چهارشنبه ۲۲ دسامبر ۲۰۲۱ به عنوان آخرین جلسه سال به شهادت «مهرداد نشاطی ملکیناس» اختصاص داشت، شاهد دادگاه، آقای مهرداد نشاطی بر پایه یادداشت هایم، چندین بار از زنده یاد «علی اکبر شالگونی» نام برد که در این یادداشت به یکی از آن موارد می پردازم.

***- «... من واکبر در سلول بودیم که پاسدار آمد و من را صدا زد. من نمی‌دانستم برای چه اما چشم‌بند زد و آمدم بیرون. یک نفر دیگر از باقی‌مانده‌های بند ما را هم صدا زد و او پشت سر من قرار گرفت...»**

«... من تمام موارد یعنی مصاحبه کردن و باقی موارد را، همه را نوشتم نه! یعنی طبق موضعی که داشتیم... من این‌ها را پُر کردم، تمام شد و ما را دوباره به همان بند ب (B) برگرداندند؛ همان‌جا که بودیم. من آنجا ماجرا را برای اکبر تعریف کردم و اکبر شدیداً به من انتقاد کرد. او تأکید می‌کرد که بابا اعدام است، کوتاه باید بیاییم... دارند می‌کشند دیگر؛ مرگ است. به هر حال این کاری بود که من کرده بودم و گفتم که حالا ببینیم چه پیش می‌آید و اگر لازم شد تغییرش می‌دهم. خوشبختانه البته برای من دیگر هیچ عواقبی نداشت.»

یاد آورمی‌گردم: رفیقمان علی اکبر شالگونی از کادرهای مبارز سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بر اثر بیماری در روز پنجشنبه دهم ژانویه ۲۰۱۳ برابر ۲۱ دی ۱۳۹۱ در شهر برلین آلمان چشم از جهان فرو بست و در میان آندوه پُر شمارانی از زندانیان سیاسی رها شده از زندان به خاک سپرده شد و الان نه (۹) سالی ایست که در میان ما نیست.

من از مقطع دستگیری و اطلاع از چند و چون برپایی دادگاه برای محاکمه این مجرم شناخته شده زندان گوهردشت، بدون اغراق روزی نیست که یاد اکبر به ذهن متبادر نگردد. بر آنم، رفیق اکبر اگر می‌بود، با ذهن سیال خویش می‌توانست یکی از ورزیده ترین شاهدان دادگاه استکھلم باشد.

از شروع دادگاه حمید عباسی (نوری) از دهم اوت ۲۰۲۱ به این سو، روزی نیست که من و رفقای دیگری که اکبر را می‌شناختند با هم در باب دادگاه حرف نزنیم و یاد اکبر شالگونی از معدود حافظه‌های قدرتمند به جا مانده از زندان گوهردشت رابه زبان جاری نکنیم و جای خالی او در شهادت دادگاه نوری در شهر استکھلم را خالی نیابیم.

باری آن‌گونه که یاد کردم، آخرین جلسه ماه دسامبر دادگاه نوری از آن آقای «مهر داد نشاطی ملکیناس» از فعالان سازمان اقلیت، روز چهارشنبه ۲۲ دسامبر برابر اول دی ۱۴۰۰ بود که ضمن شهادتش در محکومیت شخص نوری و آنچه که بر او و هم‌نسلانش گذشت، روایتی سیال و روان را عرضه داشت که برای هر شنونده‌ای قابل دریافت بود.

و اما پرسش‌هایم از آقای مهر داد نشاطی:

***- آقای مهر داد نشاطی بیان برجسته‌چنین نقطه نظری که زمان کشتار است و باید کوتاه بیاییم و همه این چیزها را بپذیریم در مورد یکی از شریف‌ترین و مقاوم‌ترین زندانی‌های سیاسی در کشتار ۶۷ با توجه به آن‌که او دیگر در میان ما نیست و حق پاسخ‌گویی از او سلب شده با چه نیتی از جانب شما صورت گرفته است؟**

آقای نشاطی تاجایی که من میدانم عمل انسانها است که مورد قضاوت قرار میگیرد نه حرف آنان وزنده یاد اکبرشالگونی با عملش در زندان نشان داد که حد اقل در مورد خود اعتقاد به این که وقت کشتار است و باید کوتاه آمدرا نداشت چرا که اوبه دلیل کوتاه نیامدن و نپذیرفتن شرایط زندان جزو آخرین زندانیان کمونیستی بود که با عنوان مرخصی آنها مجباری و نه به تقاضای خودش از زندان بیرون آمد و بلافاصله و به شکل غیر قانونی از کشور خارج شد.

*- پرسش اصلی این است: زدن چنین برجسب بحث برانگیز و مورد مجادله به کجای شهادت شما و موضوع محاکمه‌ی نوری مجرم زندان گوهر دشت در دادگاه استکھلم و کیفرخواست دادستان ها مرتبط است؟

*- آقای نشاطی شما هرگز در دورانی که اکبر چهره در نقاب خاک نکشیده بود چنین سخنانی بر زبان نیاوردید. از جمله: در جلسه‌ای که بیش از یک دهه قبل با حضور خودتان و اکبر در فرانکفورت برگزار شد و از قضا موضوع آن جلسه مقاومت در زندان بود و خود شما نیز صحنه گردان آن نشست بودید، بر زبان نیاوردید. چرا!.

*- بیان شهادت شما در مورد اکبر با یادمانده‌های بسیاری از زندانی‌های سیاسی سابق که با اکبر نزدیک بودند در تضاد آشکار است. در صحبت با تنی چند از آنها همگی بر این باور بودند که بیان چنین نظراتی را بخصوص در این شرایط به نفع کلیت امر دادخواهی نمی‌بینند.

*- و اما پرسش پایانی: آقای نشاطی شما فکر نمی‌کنید که این شهادت و زدن چنین برجسبی آنها کاملاً ادبی ارتباط با موضوع در صحن دادگاه شما در محکمه وجدان بدهکار پاسخ به یاران پُر شمار اکبر به همسرش، به یگانه دختر جوانش شهره و برادرش توفیق و آن دیگران می‌نماید؟

من زندان نبوده ام ولی تا به امروز بر پایه ذهنیتم و برای کارهای نوشتاری ام در باب زندان، کمتر خاطرات نوشته شده را خوانده و بر رویش خم نشده باشم. یک واقعیت از خاطرات به جامانده ازها شده گان زندان گوهر دشت به شکل روشن گواه این است: «سالن ده (۱۰) زندان گوهر دشت اساساً از ابتدا از زندانیانی تشکیل شده بود که پس از اعدام ها حاضر به پذیرش مصاحبه نشده بودند و علی اکبرشالگونی از چهره های بجامانده در این بند بود...»

ناراستگویی، در قبال ایستادگی و مقاومت رفیق سرموضعی و جان شیفته ای که امروز در میان مان نیست به تخریب کشاندن سیمای آتش زنه اش که تا آخرین لحظه، مقاوم بود و ماند!

اکبرشالگونی نیست، برآرم: هر چند اگر هم می بود، شرافت انسانی اش و رازداری او در اسرار مگوی زندان، و طرح ضعف ها در بیان حقایق را با خود نگه میداشت و همچنان ناگفته ها را در سینه پُرسعت خود باقی می گذاشت تا این ناراستی جلوه برونی پیدا نکند و دشمن را شاد نسازد!

وجدان آدمی آنگاه به درد می آید که کسی برسوگند شهادتش ناسپاسی ورزد و دست به تسویه حساب شخصی و گروهی زند. زیرا چنین انگاره ای از شان و انصاف و سیمای دادخواهی بدور است. خوب است در برابر دشمن مشترک، کمی مهربانتر و صادقتر باشیم. چنین باد!

لینک یادداشت هایم از دادگاه حمید نوری (عباسی) و اظهارات شاهدان و شاکیان دادگاه چه حضوری و چه از طریق ویدئو... برای دادگاه از استرالیا و کانادا و آلبانی

<https://drive.google.com/drive/folders/1l-DDPT0OmT6arD5agxkUrtLQkrNET6r?usp=sharing>